

واکاوی خاستگاه و کارکردهای نشان‌های دولتی عصر قاجار

زهره‌علیزاده بیرجندی*

سمیه حمیدی**، الهام ملک زاده***

چکیده

یکی از نمودهای تغییر ساختار نظام دیوانی عصر قاجار در عهد ناصری، تکوین قواعد مربوط به اعطای نشان‌های دولتی است. بروز این تغییر برآیند آشنایی با سازوکارهای انتظام امور اداری و سیاسی در غرب و ایده‌های رجال اصلاح طلب بود. در این راستا کتابچه‌ای با عنوان نشان‌های دولت علیه نگاشته شد، تا دستورالعملی جهت ساماندهی اعطای نشان در دولت ناصری باشد. مقاله حاضر با اتکا به فحوا و قواعد مطرح در کتابچه مذکور درصدد تحلیل نشانه‌شناسی نمادهای مندرج در نشان‌های دولتی و تبیین کارکردهای این نشان‌ها است. دستاوردهای حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که نشان‌های سلطنتی مبتنی بر عناصر اسطوره‌ای، دینی و ملی ضمن سامان‌بخشی به امور دیوانی، شوکت و اقتدار سلطنت را در اذهان توده‌ها به نمایش می‌گذارند.

کلیدواژه‌ها: قاجار، نشان‌های دولتی، نشانه‌شناسی، عهد ناصری، نشان‌های علیه.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول)، zalizadehbirjandi@birjand.ac.ir

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

*** استادیار و عضو هیات علمی پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

elhammalekzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

نشان‌ها با مراتب مختلف قدمتی طولانی در تاریخ سیاسی کشورها دارند. این سنت به دو صورت وجود داشت. نشانه‌ای که از سوی فرستاده پیامی از سوی دولتی برای پادشاه کشور دیگر ارسال می‌شد و نشانه صحت پیام مامور سیاسی بود و گونه‌ی دیگر علامتی بود که حکومت‌ها به پاس افتخار یا خدمتی به کارگزاران خود اعطا می‌کردند. رسم اعطای نشان به افراد با کفایت و نمایندگان خارجی از زمان هخامنشیان در ایران مرسوم بوده است. تا پیش از قاجار ملاک تعیین سلسله مراتب اجتماعی در عناصری چون کلاه، شال کمر و ... بود. برای تقدیر از خدمات افراد به نهاد سلطنت و کشور نیز از نمادهایی چون انگشتری، شمشیر، خنجر استفاده می‌شد. در مناسبات میان دول نیز این کالاها به عنوان تحفه فرستاده می‌شد. افزایش تعاملات ایران و اروپا در عصر قاجار سبب ورود برخی شئون تشریفاتی به دربار شد. از جمله این امور اعطای نشان‌های حکومتی به نمایندگان دول خارجی و مقامات کشوری و لشکری داخلی بود. نحوه طراحی، سلسله مراتب و نمادهای به‌کاررفته در این نشان‌ها گویای فرهنگ عصر خویش است. نشان‌های سلطنتی دوره قاجار کارکردهای مختلفی دارند که مهم‌ترین کارکردهای آن تعیین مدارج، سلسله مراتب، شئونات دولتی و نظامی است. علاوه بر این کارکردها این نشان‌ها مبین برخی از وجوه فرهنگی-تمدنی و روشنگر زوایایی از حیات سیاسی-اجتماعی ایران به شمار می‌آیند. مقاله‌ی حاضر از طریق به‌کارگیری تحلیل نشانه‌شناسی می‌کوشد نمادهای سلطنتی دوره ناصری را از جنبه‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار دهد. دغدغه‌های این پژوهش در قالب دو پرسش اساسی به شرح ذیل مطرح شده است. نشان‌های سلطنتی عصر قاجار چه کارکردهایی در ساختار نظام دیوانی آن دوران داشته‌اند؟ چه دلایلی در انتخاب نقوش و نمادهای نشان‌های سلطنتی عصر قاجار تاثیر داشته است؟ مقاله‌ی حاضر بر اساس نشانه‌هایی که در نسخه خطی «نشان‌های دولت علیه ایران» آمده است؛ تدوین گشته است. این نسخه در روزگار ناصرالدین شاه قاجار و به دستور وی نوشته شده است.

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۰۷ ه ق نیز نسخه خطی گزارش نشان‌های دولت روس و پروس به نگارش درآمده است. موضوع این کتابچه شرح نشان‌های رایج دول اروپایی است. در قسمتی از این نسخه در مورد ویژگی‌های نشان‌های مذکور سخن رفته است. چنانکه در این کتاب تقسیم‌بندی نشان‌های دولت پروس و روس هشت نوع، شاهان انگلیس پنج نوع و شاهان فرانسه یک نوع با درجات مختلف ارائه شده است (نسخه خطی

نشان‌های دولت روس و پروس، ۱۳۰۷: ۱۸). از مقایسه این دو نسخه خطی چنین برمی‌آید که نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران الگوی خود را در نگارش از کتاب نشان‌های دولت روس و پروس گرفته باشد. این مشابهت در عناصر، نقوش، اشکال هندسی، جنس، رتبه بندی دیده می‌شود (همان ۱۸-۲۷).

در مورد پیشینه پژوهش حاضر باید از مقاله «بررسی اسنادی از نشان‌های طلا و نقره شهر در دوره پهلوی» نوشته عمادالدین فیاضی یاد کرد. این مقاله همان‌گونه که از عنوان آن پیداست به بررسی اسنادی نشان‌های طلا و نقره در دوره محمدرضا پهلوی پرداخته است (فیاضی، ۱۳۸۸: ۶۲۹). نویسنده در این مقاله به اختصار از برخی نشان‌های مرسوم در عصر قاجار نیز یاد کرده است. وجه تمایز پژوهش حاضر با اثر مذکور در دو مورد مقطع زمانی مورد مطالعه و انجام پژوهش با اتکا به چارچوب نظری می‌باشد.

۲. رویکرد نظری

مبانی نظری نوشتار حاضر مبتنی بر تحلیل نشانه‌شناختی است. نظریات و آراء مطرح در حوزه نشانه‌شناسی کاربرد بسیاری در حوزه‌های علمی دارد. نشانه‌شناسی نظریه تجزیه و تحلیل نشانه‌ها و دلالت‌هاست (لچت، ۱۳۷۸: ۱۸۷). علمی است که به مطالعه نشان‌ها و چگونگی کارکرد این نشانه‌ها می‌پردازد و می‌توان از آن تحت عنوان نظریه نشان‌ها یاد کرد (اکو، ۱۳۸۷: ۷). اگرچه پیشینه‌های بحث در باب نشانه‌ها به یونان باستان باز می‌گردد؛ لکن امروزه نشانه‌شناسی مرهون دو صاحب نظر یعنی فردیناند دوسوسور، زبان‌شناس سوئیس، و چارلز سندرس پیرس، منطق‌دان آمریکایی است. تحقیقات این نظریه‌پردازان در دهه‌های بعدی مبنای کار متخصصان رشته‌های مختلف از قبیل نقد ادبی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره قرار گرفت (دینه‌سن، ۱۳۸۰: ۷).

سوسور در تعریف نشانه‌شناسی اظهار می‌دارد که زبان دستگاهی است از نشانه‌ها که بیان‌گر افکارند و از این رو با خط، الفبای کرولال‌ها، آیین‌های نمادین، علائم نظامی و غیره سنجش‌پذیر است. بنابراین از نظر وی می‌توان دانشی را در نظر گرفت که به بررسی نقش نشانه‌ها در زندگی اجتماعی می‌پردازد. نشانه‌شناسی برای ما مشخص می‌کند که نشانه‌ها از چه تشکیل شده‌اند و چه قوانینی بر آن حاکم است (سوسور، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۴). سوسور نشانه‌شناسی را علم بررسی نشانه‌های منفرد نمی‌داند بلکه علم بررسی نظام‌های نشانه‌ای می‌داند که پدیده‌هایی اجتماعی هستند. نشانه بیرون از نظام نشانه‌ای بی‌معنی است و تلقی

کارکردی بیرون از زندگی اجتماعی برای نظام‌های نشان‌های به همان اندازه بی‌ربط است (سجودی، ۱۳۸۷: ۴۷).

نشانه‌های تصویری که با توجه به عناصر شکل می‌گیرند از یک سو به خاطر سرعت انتقال پیام و از سوی دیگر به دلیل وسعت و قدرت تاثیرگذاری بر مخاطب مورد توجه هستند. در این نوع از نشانه‌ها، یک شکل تصویری با بیانی ساده و روشن موضوع را تجسم می‌بخشد (عبدالحسینی، ۱۳۸۴: ۶۴). تصاویر هم‌چون نوشتارها با ما سخن می‌گویند و در تاروپود زندگی نفوذ دارند. شناخت روابط نشانه‌ها در نظام تصویری و کارکردهای اجتماعی آن می‌تواند روشنگر بسیاری از معانی پدیدارهای تاریخی و اجتماعی در جوامع انسانی باشد. هنر در جوامع باستان و معاصر ابزار ارتباط بوده و برای ایجاد ارتباط از زبان خاص خود استفاده کرده و پیام را به مخاطبان رسانده است (علی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹-۲۰). نشانه‌شناسی تصاویر، شامل پنج گروه است که عبارتند از: الف) گرافیک (تصاویر، تندیس‌ها و طراحی‌ها) ب) بصری (آینه‌ها و نقشه‌ها) ج) ادراکی و داده‌های حسی د) روانی و روحی (رویاها، حافظه‌ها، یادبودها و عقاید و) شفاهی (محمودی، ۱۳۸۶: ۹۵). برخی معتقدند که هر تصویری ارزش خود را از کیفیت نشانه‌ها و رمزگان آن به دست می‌آورد و گاه هم‌چون یک اثر هنری ارزیابی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰). تصاویر موجود در نشان‌ها نیز مخلوق یک شرایط و زمینه‌ی تاریخی معینی هستند (پورقیومی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۳. تقسیم‌بندی نشان‌های حکومتی در عصر قاجار

در فرهنگ‌های فارسی، تعاریفی از نشان ارائه شده است. برای نمونه فرهنگ سخن، نشان را وسیله‌ی شناسایی افراد و اشیاء دانسته و آن را علامت، نشانه، قطعه فلزی دارای نقش و نوشته که برای تشویق و تجلیل از کسی از سوی موسسه یا نهادی به وی داده می‌شود، تعریف نموده است. از دوران قدیم نشان‌هایی با مراتب مختلف در تاریخ سیاسی و روابط دیپلماتیک میان ملت‌ها وجود داشته‌اند (فیاضی، ۱۳۸۸: ۶۲۹). مطابق آداب و رسوم دربارهای مشرق زمین هیچ فردی بدون تحفه نباید به حضور شاه شرفیاب شود؛ حتی فردی که با خواسته و طلبی بار به حضور شاه می‌یافت دست خالی شرفیاب نمی‌شد. هیات سفرای ممالک آسیایی و اروپایی نیز خود را با این سنت هماهنگ کرده بودند. آسیایی‌ها عموماً اسب، شال، برنج، تنباکو، پارچه‌های پشمی و ابریشمی را به عنوان هدیه با خود می‌آوردند و اروپایی‌ها سلاح‌های اروپایی، تابلوهای نقاشی، بلور و غیره را به پیشکش شاه

می‌آوردند. در ازای این پیشکش‌ها به هنگام خروج هیات دیپلماتیک هدایایی تحت عنوان «خلعت» بر روی سینی‌های طلا و نقره به آن‌ها اعطا می‌شد (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۵). از زمان هخامنشیان هدایایی به صورت سلاح، شمشیر، نیزه، سکه و ... به خدمتگزاران داخلی و نمایندگان خارجی اعطا می‌شد (مشیری، ۱۳۵۰: ۱۵۹). پیش از عصر قاجار در میان هدایای ارسالی دول بیگانه چنین نشان‌هایی یافت نمی‌شد. صاحب‌منصبان حکومتی و رجال دولتی نیز صرفاً از طریق لباس، کمر بند، خنجر، کلاه و عناصری از این قبیل قابل بازشناسی از آحاد جامعه بودند.

در عصر قاجار به دنبال گسترش مناسبات سیاسی و تجاری دولت‌های اروپایی با ایران در هدایای ارسالی پادشاهان اروپایی به دربار تهران، مدال‌ها و نشان‌های دولتی وجود داشت. پادشاهان قاجار نیز از این پس به تبعیت از هم‌تایان اروپایی خود، فرمان ساخت نشان‌هایی برای اهداء به صاحب‌منصبان داخلی و خارجی را صادر نمودند. نشان‌هایی که در متون قاجاریه اعم از منابع تاریخ‌نگارانه و غیرتاریخ‌نگارانه می‌توان شواهدی پیرامون نشان‌های سلطنتی و نقوش حک شده بر آن‌ها یافت. اعطای این نشان‌ها بر اساس شواهد موجود به صاحب‌منصبان کشوری و لشکری و بر مبنای موقعیت و شئون سیاسی و نظامی و خدمات آنان صورت می‌گرفت. با توجه به آسیب‌های موجود در اعطای نشان‌ها و القاب، بسیاری از رجال اصلاح طلب عصر قاجاریه بر روند اعطای مناسب و مقامات انتقاداتی وارد کرده‌اند. یکی از منتقدین بر روند مذکور امیرکبیر است. در این زمینه آدمیت به هنگام تحلیل ویژگی‌های امیرکبیر و در بحث اخلاق و کردار مدنی وی، مبحثی را تحت عنوان حذف عنوان‌های دیوانی آورده است. اگرچه این مبحث اشاره‌ای مستقیم به مساله نشان‌ها نیست اما محتوای فرمانی که در این راستا صادر شد؛ نشانگر دغدغه‌های این دولتمرد اصلاح طلب است. تناسب القاب اعطایی با شئون فردی که دریافت کننده‌ی القاب است نیز در این فرمان دیده می‌شود. این فرمان به نوعی پیشینه‌ها، زمینه‌ها و نحوه تکوین نشان‌های حکومتی را برای ما آشکار می‌سازد. زیرا القاب در آن دوره همان کارکرد نشان‌ها را در دوره‌های بعدی داشتند. از آن جایی که اصل فرمان صادره در حذف القاب دیوانی موجود نیست، شرحی از قول واتسن که پیرامون محتوای آن فرمان است؛ ذیلاً نقل می‌شود:

اولین تصویری که از نام ایران به ذهن هر دانشمندی می‌گذرد، شیوه نگارش ساختگی و پرطمطراقی است که شاعران و تاریخ نویسان سرزمین آتش پرستان، در مدت دو هزار سال پرورانده‌اند. امیر نظام تصمیم گرفت آن عبارت بی معنی و مسمت‌کننده را که فقط

شایسته بردگان و فرومایگان است، براندازد. پس فرمانی صادر کرد که در عریضه‌ها و نامه‌های رسمی که خطاب به وی می‌نویسند، جز یک عنوان ساده "جناب" بکار نبرند. برای مقام‌های پایین‌تر نیز، به ترتیب عنوان ثابتی مقرر کرد. مردم در شگفتی ماندند که چطور وزیری آن القاب چاپلوسانه را از خود دور می‌نماید. اما او را بگردن نهادند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۲۹).

این فرمان نشان می‌دهد که امیرکبیر نسبت به کاربرد و دقیق عنوان مقید بوده است. به نظر می‌رسد که وجود چنین دیدگاه‌هایی تمهیداتی جهت انتظام و سامان‌بخشی القاب و پس از آن نشان‌های سلطنتی شد؛ تا جایی که در همین دوره نشان‌های رایج دولتی در دسته‌هایی تقسیم بندی شد و هر یک از نشان‌ها طبق ضوابطی میان مقامات لشکری و کشوری اعطا می‌گردید. در صفحات آغازین نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، دلایل اعطای نشان و تفاوت‌های ظاهری نشان‌ها تبیین شده است. در این اثر نویسنده با استناد به آیه من عمل صالحاً فله جزاء حسنی تفاوت شئون افراد در القاب و مناصب، رسوم و مواجب و اعطای نشان را بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و در ازای خدمات افراد تعیین شده است (نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، بی تا: ۳-۴). دلیل تفاوت نشان‌ها از نظر شکل ظاهری، رنگ، اندازه، نماد و نقوش به کار رفته بدین سبب است که اختلاف ارادت و تفاوت خدمت دانسته شود (همان: ۵). بیشتر نشان‌های دولت علیه ایران در دوره قاجار دارای نقش شیر و خورشید است به جز تمثال نشان همایون شاهنشاهی دولت قاجار. برای هر یک از این نشان‌ها مواجبی نیز تعیین شده بود. برای نمونه مدال نقره را ۲۵ هزار و مدال مطلا ۵ تومان بود که صاحبان آن از خزانه دولت دریافت می‌کردند (همان: ۱۶). هدف اصلی از نگارش کتابچه نشان‌ها آن‌گونه که از سطور پایانی کتاب مذکور برمی‌آید؛ مشخص نمودن دستورالعملی برای اعطای نشان‌ها به شیوه‌ای قانونمند بوده است: «و قدغن لیغ و تاکید اکید نماید که نشان‌ها تماماً موافق کتابچه دیوانی ساخته و صباغت شود و دارندگان نشان تغییری در وضع و اسلوب حمایلات و بندها ندهد. به هر حال مواظب و مراقب باشد که اغتشاشی در کمیت و کیفیت اعطای نشان راه نیابد. چه خدمت بزرگی است که نشان دولت عظم شان نشود پس از این هر نشانی که ساخته میشود و باید با این کتابچه موافق باشد» (همان: ۹۲). دسته‌بندی این نشان‌ها به قرار ذیل است: نشان‌های متداول دولت علیه ایران را به چهار گروه تقسیم بندی نموده اند. ۱- نشان عمومی ۲- نشان افراد سپاهی که اهل نظام باشند اعم از صاحب منصبان و سرباز و توپچی و قورخانه چی، زنبورک چی و مهندس و

کسانی که از شمشیربندان به شمار می آیند ۳- نشان ارباب قلم ۴- نشان اهل علم ۵- نشان اصحاب صنایع ۶- نشان اشخاص خارجه ۷- نشان مختص ذات اقدس شهریاری (همان: ۱۱-۱۲). هر کدام از این نشان‌های هفت‌گانه دارای سه درجه بود که از طبقات و کیلاوی‌ها معلوم می‌شد. چنانچه نشانی که سه کیلاوی دارد مختص درجه اول است و آن را که دو کیلاوی است مختص درجه دوم و یک کیلاوی مختص درجه سوم (همان: ۱۲). تفصیل نشان‌ها به قرار زیر است:

۱- نشان عمومی نشانی است مدالی و در یک طرف آن شیر و خورشید و نام، زمان، مکان جنگ یا واقعه‌ای که فرد را لیاقت از خود نشان داده و در طرف دیگر نشان القاب همایون شهریاری نقش بسته شده است (همان: ۱۳).

نشان افراد سپاهی که بر ۹ قسم است. اول نشان مدال است که در یک صفحه آن شیر و خورشید و در وسط آن القاب همایون شهریاری و در حاشیه آن این شعر ثبت شده است:

هر شیر دل که دشمن شهر را عنان گرفت از آفتاب همت ما این نشان گرفت

در این نشان، آفتاب همت مبین نقش خورشیدی است که بر نشان مذکور حک شده بود. این نشان سه درجه دارد. نقره (وزن ۴ مثقال با بند سفید)، مطلا (۳ مثقال و نیم با بند سرخ) و طلا (۳ مثقال و نیم و حاشیه باریک سبز) (همان: ۱۴-۱۵). در خصوص اعطای نشان نیز سلسله مراتبی وجود دارد. مدال نقره را به سرباز، وکیل و سرجوقه از هر صنف اهل نظام داده می‌شود. نشان مطلا به بیک زاده و وکیل باشی اعطا می‌شود و مدال طلا به نایب. برای هر یک از این نشان‌ها از جانب دولت علیه مواعبی به شرح زیر معین شد: مدال نقره ۲۵ هزار، مطلا ۵۰ تومان، طلا ۱۰ تومان (نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، بی تا: ۱۶).

۱- نشان سلطانی نشانی است خورشید شکل، مشتمل بر سه پره بزرگ هفت شقه و سه پره کوچک ۵ شقه که در وسط هر دو پره یک شقه مطلا وجود دارد. خود پره‌ها نیز از نقره و الماس تراش است و سه کیلاوی به عدد درجات دارد. درجه اول سه کیلاوی و به سلطان اول (در ارتش) داده می‌شود. درجه دوم دو کیلاوی به سلطان دوم داده می‌شود. درجه سوم یک کیلاوی با پارچه کنار قرمز و وسط سبز و به سلطان سوم اعطا می‌شود. سلطان وقتی مستحق این نشان می‌شود که دسته او که صد نفرند نهایت خشنودی و خرسندی را از رفتار او داشته باشند و از فرامین مافوق خود سرپیچی نکنند (همان: ۱۷-۱۸).

۲- نشان یآوری، خورشیدی است هشت پره، چهار پره بزرگ پنج شقه و چهار پره کوچک سه شقه. در وسط پره‌ها شقه باریک از طلا در وسط شیر و خورشید و سه کیلاوی به عدد درجات دارد. سه کیلاوی برای یاور اول، دوکیلاوی از یاور دوم و یک کیلاوی برای یاور سوم. این نشان باید با بند سبز آویخته شود. شرایط استحقاق این نشان رضایت ۴۰۰ نفر از ابواب جمعی از فرد(همان: ۱۹).

۳- نشان سرهنگی، خورشیدی است ده پره شامل پنج پره بزرگ پنج شقه و پنج پره کوچک سه شقه و وسط پره‌ها، شقه میناکاری سفید به رنگ حمائل آن. شرایط استحقاق آن انجام خدمت شایسته نسبت به دولت، رعیت و خیرخواه دولت بودن در موقع جنگ(همان: ۲۱).

۴- نشان سرتیپی، خورشیدی است ۱۶ پره، ۸ دایره بزرگ ۵ شقه و هشت پره کوچک سه شقه. در وسط شقه‌ها شقه قرمز میناکاری و سه کیلاوی به عدد درجات شرط استحقاق خدمت صادقانه به دولت(همان: ۲۴).

۵- نشان امیرتومانی خورشیدی شانزده پره شامل هشت پره بزرگ پنج شقه و هشت پره کوچک سه شقه. بر سر هر پره کوچک، ستاره پنج شقه و در در وسط آن میناکاری به رنگ حمائل آن و سه کیلاوی بر اساس درجات.

۶- نشان نویان اعظم و صدارت عظمی که خورشیدی است ۱۶ پره شامل هشت پرده بزرگ که هر یک ۵ شقه و ۸ پره کوچک سه شقه که به جای کی پره بزرگ تاجی و بر سر تاج بوته و جقه و در میان پره‌ها شقه میناکاری به رنگ حمائل و بر سر هر یک از شقه‌های کوچک ستاره پنج پره و سه درجه دارد و سه کیلاوی و شرایط اعطای آن خدمت، صداقت و درست رفتاری، ایجاد امنیت و رفاه برای رعیت(همان: ۲۹-۳۰).

۷- نشان قدسی که سه درجه اقدس، قدس و مقدس دارد و به شکل خورشیدی است ۲۴ پره و مکمل به الماس و سه کیلاوی بر سر نشان تاجی و مختص وجود شاهنشاهی و سلاطین بزرگ است که به نشانه پیوند و دوستی و یگانگی اعطا می‌شود، و حمائل آن آبی روشن(همان: ۳۴-۳۵). نشان قدس به وزراء عظام و حکمران‌های ممالک عظیم که از خانواده سلطنت بوده اعطا می‌شود. حمائل آن در وسط آبی و کنار سبز. نشان مقدس به سفرای کبار و ایلچیان بزرگ و سرداران عظام داده می‌شود که در وسط سبز و کنار آبی است. نشان قدس نیز به افرادی که خدمتی خاص در جهت اتحاد ملت انجام داده باشند اعطا می‌شود(همان: ۳۷).

۸- نشان تمثال همایون شاهنشاهی که نشانی است بیخی متفق الطرفین که مدور طویل است سه مرتبه دارد. مرتبه اول در وسط آن تمثال مبارک شهریار و در اطراف یک دایره از طلا و سه طبقه الماسین و در سر آن گل و بوته مانند تاج و طرح گل و بوته آن مختلف است. مرتبه دوم دو طبقه الماسین با یک دایره طلا و مرتبه سوم یک طبقه الماسین با دو دایره باریک طلا از گردن با بند آبی روشن آویخته شود. این نشان به کسی داده می‌شود که خدمتی شایسته کرده باشد که مطبوع طبع پادشاه شود (همان: ۴۰-۴۱).

نشان‌ها در متون عصر قاجار بازتاب اعطای نشان و اهمیت این امر را در متون تاریخی این عصر نیز می‌توان مشاهده نمود. حاج سیاح در سفرنامه خود می‌گوید که از جانب دولت نشان شیر و خورشید اعطا می‌شود (انوری، ۱۳۸۱: ۷۸۲۰). اعتمادالسلطنه نیز در روزنامه خاطرات خویش در ذیل حوادث ذی الحجه ۱۳۰۰ ه ق به بحثی درباره تصویر تمثال شاه اشاره کرده است که عیناً نقل می‌شود:

در شام در باب نشان تمثال گفت و گو شد. می‌خواهند تمثال را سه درجه قرار بدهند. هرچه عرض کردم شرافت تمثال تصویر همایون است نه الماس دوره ملفت نشاند ... امین السلطان اصرار دارد و به جهت ضیاءالدوله تمثال می‌خواهد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵).

پولاک نیز در سفرنامه خود اشاراتی به مساله اعطای نشان دارد. مطابق گزارش او نشان‌های دولتی درجه‌ها و انواع گوناگونی دارند. برخی از آن‌ها حمایل نیز دارند که رنگ حمایل بر مبنای درجه‌های مختلف متفاوت است. اعطای نشان شیر و خورشید مختص شاه است. به نشان‌هایی که به افراد خارجی اعطا می‌شد ستاره دار می‌گویند. اهدای نشان همیشه توأم با صدور فرمان بود. به عالی‌ترین مقامات لشکری و کشوری نشان مزین به تمثال شاه با نگین برلیان اعطا می‌شد. در این نشان‌ها نماد کشور ایران، شیری است که بر پشت آن خورشیدی در حال طلوع است (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۹۵).

در روزنامه شرف و شرافت، از روزنامه‌های عصر ناصری، که به شرح احوال رجال، سیاستمداران و هنرمندان ایرانی و غیرایرانی اختصاص دارد؛ تصاویری از رجال و مشاهیر ایرانی در آن نقاشی شده است. در این تصاویر می‌توان نشانه‌های مختلف رجال ناصری را که این افراد دریافت نموده و بر لباس خود نصب نموده‌اند مشاهده کرد (صفی‌نژاد، ۱۳۶۳: ۶-۲۶). همچنین در دوره قاجار القاب و مناصب خرید و فروش می‌شدند یا با پیشکش‌هایی منصب و لقب اعطا می‌گردید. گاهی برای یک منصب دو یا چند نامزد وجود

داشت و هر کدام بیشتر پیشکشی می‌دادند، منصب را می‌ربودند (اعتمادالسطته، ۱۳۸۵: ۹۰۷-۹۰۶). مجدالاسلام کرمانی در خصوص فروش القاب و مناصب به تفصیل از این موضوع سخن گفته است:

... از بس هر بی‌سروپایی صاحب منصب شد؛ دیگر شان و شئونی برای این مناصب باقی نماند... درجات نظامی مانند سرتیپی، سرهنگی، سلطانی، سالاری و امثال آن بقدری فروخته شد که عده صاحبان مناصب خریداری شده سه برابر افراد نظامی گردید (کرمانی، ۱۳۵۱: ۵۸-۹۹).

چنانچه در روزنامه شرف ذیل شرح احوال فرهاد میرزا نواب و الاحامی معتمدالدوله آمده: «در ذی الحجه الاحرام هزار و دویست و هشت به نشان تمثال همایون اعلیحضرت و لقب معتمدالدوله که از القاب معظم این دولت جاوید است ملقب و سرفراز گردید» (صفی‌نژاد، ۱۳۶۳: ۲۶). همچنین در همین روزنامه در شرح احوال صنیع الدوله آمده: «...در اوایل سال هزار و سیصد و یک بجه مسه مرصع مخلع و در اواخر همین سال خجسته مال بیک قطعه نشان تمثال خورشید مثال همایون مکمل بالمس سرفراز شد (همان: ۸۸). همچنین در این دوره نشان‌های حکومتی به مستشاران خارجی نیز اعطا شد. در روزنامه شرافت نشان‌های اعطایی به ژنرال کاساکوفسکی فرمانده بریگاد سواره قزاق که از طرف دولت روس مامور خدمت در ایران بوده چنین ذکر شده است: «نشان و حمایل امیرتومانی، نشان شیروخورشید از درجه ی اول خارجه با حمایل سبز که مخصوص آن نشان است. نشان مکمل به الماس امیرتومانی، نشان مکمل به الماس سرداری با حمایل مخصوص آن» (همان: ۶۱۷-۶۱۸).

هم‌چنین نقش شیر و خورشید به همراه شمشیر در روزنامه وقایع الاتفاقیه در اولین شماره‌های آن به چشم می‌خورد. در بالای نماد شیر و خورشید تنها در شماره نخست روزنامه عبارت یا اسدالله الغالب دیده می‌شود. این نشانه اشاره به لقب حضرت علی (ع) به معنای شیر خدا دارد (وقایع التفاقیه، شماره اول، جمعه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۶۷، شماره ۴، صفحه ۱). نماد شیر و خورشید به عنوان آرم ثابت روزنامه در شماره‌های مختلف وقایع الاتفاقیه دیده می‌شود؛ هرچند در نحوه ترسیم این لوگو تغییراتی در شماره‌های مختلف دیده می‌شود (همان، شماره ۱۴، جمعه ۷ رجب، صفحات ۱۷-۱۶). در روزنامه ملتی ایران نیز نقش شیر و خورشید و شاخ زیتون به عنوان آرم این روزنامه در صفحه اول و در صدر صفحه به چشم می‌خورد (روزنامه ایران، یکشنبه، ۱۱ محرم، ۱۲۸۸، شماره اول). در شماره

های بعدی روزنامه علاوه بر نقوش شیر و خورشید و شاخه زیتون در بالای نماد شیر و خورشید تاج شاهی به چشم می خورد. در دو طرف شیر و خورشید تصاویر چهار فرشته در دو طرف شیر و خورشید به چشم می خورد (همان، ۲۸ ربیع الثانی، ۱۲۸۸، شماره ۲۵). در شماره ۲۵ در قسمت پایین تر علاوه بر نمادهایی که اشاره شد تصویر دو فرشته که تاج شاهی را نگه داشته اند؛ به چشم می خورد (همان) در شماره های ۴۲ روزنامه ایران در سال ۱۲۸۸ نیمه رجب در کنار نماد شیر و خورشید و شاخ زیتون تصویر دو فرشته در صدر صفحه در طرفین نماد شیر و خورشید دیده می شود که هر یک مشعلی در دست دارند (همان، ۱۶۵). از شماره ۴۴ روزنامه ایران در پنج شنبه ۲۵ رجب ۱۲۸۸ نماد شیر و خورشید و تاج و فرشتگان حذف و صرفاً شاخه زیتون دیده می شود.

در دوره ناصری سیاست های مختلفی در جهت به نمایش گذاردن اقتدار شاه در قالب های نمادین اتخاذ می شد. ساخت مجسمه شاه و چاپ تمبرهای منقوش به چهره ناصرالدین شاه که تداعی کننده یک شخصیت مقتدر و در راس سلطنت ایران بود؛ در این راستا انجام شد. این تمبرها و سایر آثار منقوش به تصاویر شاه و یا نمادهایی که تداعی گر اقتدار ناصرالدین شاه بود از جمله نشان های سلطنتی، رسانه هایی برای نمایش اقتدار شاه به تمامی نقاط کشور بودند. در کنار نمایش اقتدار سلطان این گونه نقوش و وظیفه مشروعیت بخشی به حاکمیت را نیز عهده دار بودند (شیخ نوری و علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۸: ۷۱). یکی از کارکردهای نقوش و نمادهای نشان های سلطنتی که در روزنامه های دولتی و هم چنین تمبرها گاهی مواقع تکرار می شد؛ احیای هویت و نمایش اقتدار سلطنت بود. این نشان ها هژمونی سلطان و شوکت سلطنت را به نمایش می گذاشتند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۱: ۳۶۵). این نمایش اقتدار نه تنها در درون مرزهای ایران و در مورد رعایایی بود که ذیل حکومت سلطان زندگی می کردند بلکه از آن جا که این نشان ها به رجال و صاحب منصبان خارجی از سوی دولت ایران اعطا می شد؛ به نوعی هویت سلطان و نمایش شوکت سلطنتی در بیرون مرزها نیز بود.

۴. تحلیل نشانه شناسی نشان های حکومتی

نکته مهم در تحلیل نشان ها این است که در بیشتر آن ها علامت شیر و خورشید وجود دارد. در مورد نشان شیر و خورشید در نسخه خطی توضیحاتی آمده است که در خور توجه است. در مقدمه این نسخه خطی آمده است که:

باید دانست که نشان دولت علیه ایران همگی دارای شیر و خورشید است به جز نشان تمثال همیون شاهنشاهی روح الفداء. ولی تفاوتی که دارد این است که نشان عمومی و نشان اهل نظام تماماً شیر و خورشید ایستاده است و شمشیر برهنه در دست راست و به جز شیر و خورشید نشان مدال تمام شیر و خورشید ها میناکاری شده است. ولی نشان ارباب قلم و صنایع و اشخاص خارجه را شیر و خورشید خوابیده باشد بی شمشیر (نسخه خطی نشان‌های دولت علیه ایران، بی تا: ۱۰-۱۱).

بنابراین می توان از محتوای این نسخه دریافت که نشان‌های طبقات مختلف اجتماعی و به ویژه صاحب منصبان لشکری و کشوری با یکدیگر تفاوت داشته است. نشان اهل قلم فرقی که با نشان اهل نظام دارد این است که شیر و خورشید آن خوابیده و شمشیر در دست ندارد و تفاوت دیگر در حمائل آن است. تمام نشان‌ها از طرف چپ سینه بر بالای قلب که گنجینه صداقت و منشا شجاعت است آویخته می شده به جز نشان تمثال همایون و نشان اقدس و نشان مقدس.

از بعد نشانه‌شناسی می توان حذف شمشیر یا وجود آن را در هر یک از نشانه ها را متناسب با شئون و موقعیت اجتماعی دارندگان نشان تحلیل نمود. برای نمونه حذف شمشیر از نشان ارباب قلم و حالت نشسته آنها گویای جایگاه آنها در اندیشه ورزی در نهاد سلطنت است. از سوی دیگر قرار دادن شمشیر در دست نظامیان گویای ضرورت آمادگی و هوشیاری دائمی آنها برای حفاظت از کیان سلطنت و مام میهن است.

استفاده از شیر بر روی مدال‌ها نیز قابل توجه است. شیر از مهم ترین کهن الگوها در میان ایرانیان به شمار می آمده و نماد شهریاری و دلاوری بوده است. در ایران شیر که همیشه در کنار پادشاهان بوده است، به صورت یک نماد سلطنتی و نشانه ای از شجاعت و قدرت تبدیل شده است (اتینگهاوزن، ۲۵۳۷، ۱۴). نیرومندی و ارجمندی شیر در سرزمین های دیگر نیز او را همسان شهریان نشانده، از این رو شاهان بسیاری نام لئو، لوون، اسد، شیر و ارسلان بر خود نهاده اند (کسروی، ۲۵۳۶: ۶). پوسنر معتقد است که مصریان در هنگامه فرمانروایی هخامنشیان حرف «ر» را برای نگاشتن نام ایران زمین و پادشاهان ایرانی به زبان هیروگلیف افزوده اند که به معنای شیری نشسته است. همچنین در خواب‌گزاری همواره شیر به شاه تعبیر می شود (طاهری، ۱۳۷۵: ۸۴).

شیر از زمان های قدیم نمایانگر صورت فلکی اسد (امروزه مرداد) بوده است (مصطفی، ۱۳۵۷: ۱). شیر در آئین میتراپی در مرحله چهارم Leo قرار می گیرد و نماد آتش

است و آتش نیز قدرت پاک‌کنندگی دارد. (Claus, 2000: 132). شیر نماد آتش است و آتش نیز نماد خورشید. پس این بیان که خورشید پاک‌کننده همه چیز است، همان است که آتش همه را در پایان جهان و مزشگرد، یعنی دوران فرَشکرد پاک می‌کند. همه ناپاکان در آتش می‌سوزند اما نیکان و پارسایان بر جای می‌مانند. نقوش شیر و خورشید را در نمایی از میترا نیز به چشم می‌خورد. در انتخاب شیر به عنوان یکی از عناصر نشان‌ها تلفیقی از مفاهیم اساطیری و دینی یافت می‌شود. شیر نماد قدرت، عقل و عدالت است. دیرینگی نماد شیر از متون پهلوی و اساطیری با محتوای دینی آن پیوند خورده است. چنانکه لقب حضرت علی (ع) اسدالله بود (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ج ۴: ۱۱۱). در اساطیر ایرانی پهلوی، شیر از جانوران اهریمنی است و کشتن آن کرفه بزرگی محسوب می‌شود. در آیین مهرپرستی مرتبه چهارم مرتبه شیر بود که نخستین مرتبه از مراتب اعلا به شمار می‌رفت (قلی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹۰). در برخی نشان‌ها شیر، شمشیری در دست دارد. شمشیر نماد وضعیت نظامی و فضیلت آن رشادت و کاربرد آن قدرت است (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ج ۴: ۸۴)

از دیگر نمادهای به‌کار رفته در نشان‌ها خورشید است. در بحث نشانه‌شناسی تفسیری که می‌تواند دلایل گزینش خورشید را در نشان‌ها برای ما آشکار سازد؛ اعتقادات دینی ایرانیان است که در ادیان باستانی پرستش خورشید رایج بوده و به شیوه‌های مختلف در آئین میترائیسم و در حتی اعتقادات ایرانیان در عصر ودا و نشان‌های آن قابل پی‌گیری است. پرستش خورشید به عنوان یکی از مظاهر طبیعت تدایی‌گر اعتقادات ملل قدیم از جمله ایرانیان در دوران پولی‌تئیسم و تعدد الهه‌ها بوده است و یکی از آن الهه‌ها خورشید بوده است.

ویل دورانت نیز به هنگام بحث پیرامون معبودهای مختلف دینی در میان ادیان از جایگاه مهم خورشید، پرستش خورشید یا آفتاب‌پرستی در دیانت‌های کهن یاد کرده و اظهار می‌دارد که بیشتر خدایان، تجسم و تشخیصی از خورشید به شمار می‌رفته‌اند. ویل دورانت در ادامه متذکر شده هاله‌هایی که نقاشان قرون وسطی بر گرد سر و صورت قدیسان ترسیم می‌کرده‌اند، اثری از خورشید پرستی قدیم بوده است (دورانت، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳). در فرهنگ اساطیر ایرانی و متون پهلوی، خورشید به عنوان چشم اورمزد و به همراه ماه شهریار روشنان خوانده می‌شود. او تیرگی و تاریکی را نابود می‌کند و اگر یک زمان دیر بیاید، دیوان همه آفرینش را از میان می‌برند. در کارنامه اردشیر بابکان، خورشید

نشان چیری و توانایی است. از میان قهرمانان اساطیری جم و از میان ایزدان، مهر بیشترین ارتباط را با خورشید دارند (قلی زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۵).

اما در خصوص نشان شیر و خورشید باید گفت که در ایران متداول‌ترین نقش نشان‌های حکومتی نشان شیر و خورشید بود. حجم عظیم شواهد تاریخی، متون ادبی و باستان‌شناسی که احمد کسروی، مجتبی مینوی و سعید نفیسی گردآوری و بررسی کرده‌اند، نشان می‌دهد که خورشید در صورت فلکی اسد در منطقه البروج از قرن هفتم هجری نقشی نمادین و رایج شد. این نشان از ستاره‌بینی وارد فرهنگ عام، نشان‌ها و نقوش هنری شده است و از آنجا به تدریج و در حدود قرن نهم هجری معادل قرن پانزده میلادی به نقوش پرچم‌ها وارد می‌شود. شاپور شهبازی در دایره‌المعارف ایرانیکا این نشان را تلفیقی از سنن کهن ایران، عرب، ترک و مغول در ایران می‌داند (شهبازی، ۲۰۰۱). در خصوص تاریخچه این نماد کسروی معتقد است که هم شیر و هم خورشید به صورت تنها و جدای از یکدیگر در نزد مردمان مورد توجه بوده است. اما اینکه چگونه شیر و خورشید به هم پیوسته‌اند و به صورت نشانی واحد درآمده‌اند، اظهار می‌کند که این نشان در دوره باستان وجود نداشته است. چنانچه بنا بر روایت ابن‌عبری، پیوستگی شیر و خورشید به عنوان یک علامت مشخص، نتیجه دل‌باختگی کیخسرو سلجوقی به همسرگرگی‌اش بوده که با توجه به منع پیکرتراشی در اسلام، از این نشان به عنوان نماد عشق این دو به یکدیگر بر روی سکه‌های این دوره استفاده شد (کسروی، ۱۳۵۶: ۱۰۹). برای نخستین بار نماد شیر و خورشید در دوره شاه اسماعیل دوم به رنگ طلایی بر روی پرچم ایران سوزن دوزی شد. این پرچم تا آخر دوره صفوی نیز درفش رسمی ایران بود. نزد صفویان شیر موجود در شیر و خورشید، مظهر امام علی (ع) و خورشید، مظهر فردین یا عظمت خداوندی بود که همان تغییر شکل یافته فر ایزدی می‌باشد. در واقع شیر و خورشید شیر و خورشید مظهر دوپایه قدرت آن زمان ایران یعنی مذهب و حکومت بود (Najmabadi, 2005: 68-88). این نقش در اوایل دوره قاجار به شکلی کاملاً ناهمسان روی سکه‌ها، نشان‌ها و پرچم‌ها ظاهر شد. به دستور فتح‌علی‌شاه قاجار به تقلید از نشان لژیون دونور فرانسه، نشان شیر و خورشید ایرانی در ۱۲۲۲-۱۲۲۵ طراحی و ساخته شد؛ تا به دیپلمات‌ها و مقامات اروپایی اعطا شود. به این ترتیب ایران دارای پرچمی رسمی با نشان شیر و خورشید شد. بدین سان است که یک قرن بعد نویسنده‌ای اروپایی می‌نویسد: «ایران امروزه به سرزمین شیر و خورشید معروف است» (State Hermitage Museum, 2009: 09-19).

افسانه نجم‌آبادی تحولات اجتماعی - سیاسی عصر قاجار را عامل موثری در تغییرات حاصله بر نشان شیر و خورشید دانسته است. به دنبال تنزل موقعیت ظل‌اللهی سلطان تفسیر شیعی شیر و خورشید، جایش را به تفسیری ملی‌گرایانه می‌دهد. نوشته‌های بازمانده از آن زمان از جمله شعری به قلم خود شاه ایران نشان می‌دهد که خورشید در آن زمان استعاره از شاه ایران است و اشاره به جمشید، شاه اسطوره‌ای ایران در شاهنامه فردوسی دارد. در نوشتارهای برجامانده از آن زمان شیر را استعاره‌ای برگرفته از اسطوره‌های شاهنامه نسبت داده‌اند. شیر در آن زمان اشاره به رستم داشت که شیر نشان او بود و نشانگر پهلوانان و دلاوران ایرانی بود که آماده برای پاسداری از ایران بودند. شهبازی با نقل فرمانی از زمان محمدشاه نشان می‌دهد که چگونه در اثر مراودات ایرانیان با اروپاییان و آشنایی مجدد شاهان ایران با عظمت ایران باستان نشان شیر و خورشید تعبیری ملی‌گرایانه پیدا می‌کند. گویا محمدشاه در سال ۱۲۵۲ (ه ق) فرمانی رسمی صادر کرد که شکل و کارکرد انواع نشان‌های شیر و خورشید را تعیین و تعبیری ملی‌گرایانه از این نشان ارائه می‌دهد. برای نخستین بار از زمان محمدشاه قاجار است که در بسیاری از سکه‌ها و نشان‌ها تاجی بر بالای خورشید قرار داده شد (Najmabadi, 2005: 68-88). به طور کلی بسامد و تکرار نقش شیر و خورشید در اوراق دولتی نظیر برگه‌های مخصوص پستی، تمبرها و نشان‌ها نشانگر اهمیت این نقش است. وجود سابقه و قدمت این نقش در تصاویر و آثار به جای مانده دوران باستان حاکی از قدمت و دیرینگی این نقش در فرهنگ ایران است.

در اطراف نشان‌های دولتی شاخه زیتون دیده می‌شود. زیتون را می‌توان نمادی دینی، ملی و جهانی دانست. خداوند در قرآن به آن قسم خورده است و از آن به عنوان «شجره مبارکه» نام برده است. نام زیتون شش بار در قرآن کریم آمده و یک بار هم به طور غیرمستقیم، تحت عنوان درختی که روغن می‌دهد، به آن اشاره شده است. نقوش حکاکی شده شاخه‌های زیتون در دست سربازان هخامنشی از ارزش و اهمیت آن در ایران باستان حکایت می‌کند. یونانیان باور داشتند که آتنا (الهه عقل و صلح) این درخت همیشه سبز را رویانده و این گیاه نماد صلح، امید هست. در گذشته زیتون نه تنها نشانی از صلح بلکه نمایان‌گر ثروت و وفور کشور بود؛ حمل شاخه‌های آن در جشن‌های بزرگ یونان، افشاندن زیتون وحشی برای قهرمانان المپیک، تاج زیتون فاتحان رومی در مراسم استقبال، و مواردی که سواره‌نظام‌ها در بازدیدهای امپراتوری همانند هدیه‌های نمادین صلح بکار می‌بردند (دوران بربرها) که فقط با پیروزی حفظ می‌شدند. کبوتری که پایان طوفان را به حضرت

نوح(ع) خبرداد، شاخه زیتونی به منقار داشت. از این رو آن را نماد عفو، صلح، رستگاری و پیروزی تعبیر نموده‌اند (شوالیه و گبران، ۱۳۸۲: ج ۹: ۴).

افزون بر عوامل مذکور از نفوذ رگه‌هایی از عقاید توتمیسم در نقوش نشان‌ها نمی‌توان غفلت نمود. چنانچه شاخه‌ی زیتون خاستگاه توتم‌گونه در خود دارد. در بررسی پیشینه‌های تمدنی اقوام و ملل مختلف می‌توان دیرپایی کاربرد نمادهای حیوانی و گیاهی را مشاهده کرد. منشا این‌گونه نمادها با عقاید توتم‌پرستی که در زمره‌ی ادیان ابتدایی است، پیوند خورده است.

یکی از کارکردهای مهم توتم متحدساختن افراد یک قوم یا قبیله با یکدیگر بوده است. توتم‌پرستان چنین می‌پنداشتند که به وسیله توتم با یکدیگر ارتباط دارند و توتم را نیای مشترک خود فرض می‌کردند. پس می‌توان با توجه به این توضیحات توتم را به عنوان شعار و مرزی تلقی کرد که نمادی برای خویشاوندی ملت‌های اولیه بوده و رفته رفته از جنبه‌های دینی خود خارج شده و به تدریج این توتم نقش توتم‌های اقوام بر روی پرچم‌ها به صورت توتم‌های حیوانی از جمله شیر و عقاب بر روی پرچم ظاهر شده است (دورانت، ۱۳۸۵: ۷۵-۷۶). ضمن اینکه ایمان به توتم، مبین جهان‌بینی و تفسیر آحاد قوم از طبیعت و حیات نیز شمرده می‌شود. نقش پرچم برخی از کشورها چون عقاب در آلمان، شیر در سیلان و درخت سدر در لبنان دلالت بر توتم پرستی قدیم این اقوام دارد (مشکور، ۱۳۶۹: ۲۴). به نظر می‌رسد در نشان‌های دولتی عصر قاجار وجود برخی نمادهای حیوانی (شیر)، نمادهای گیاهی (شاخه‌ی زیتون) و نمادهای طبیعی (خورشید، ستاره) مرده ریگ عقاید توتمی را به ذهن متبادر می‌سازد. هم‌چنین ظاهرشدن توتم‌های حیوانی از جمله شیر در نشان‌های ملی، پرچم‌ها و نشان‌های سلطنتی، نشانگر بهره‌گیری از کارکرد سستی آن یعنی انسجام قومی و به عبارت دیگر هویت ملی به شمار می‌آید.

از زوایه تحلیل نشانه‌شناسی وجود هفت مرتبه در تقسیم‌بندی کلی نشان‌ها که پیش‌تر بیان شد را می‌توان در مقدس بودن عدد هفت در فرهنگ ملی و اسلامی دانست. حمائل نشان‌ها نیز به لحاظ رنگ با یکدیگر متفاوت اند. چهار رنگ سبز، قرمز، سفید و آبی در حمائل‌ها وجود دارد. رنگ آبی در نشان‌های قدس، همایون شاهنشاهی دیده می‌شود. این رنگ مختص شاه، صدراعظم و خاندان سلطنت است. هم‌چنین در مدال‌هایی که رنگ آبی وجود دارد، نشان تاج نیز دیده می‌شود. وجود تاج در این نشان‌ها با وجود قرار گرفتن در صدر و تقدم آن بر شیر و خورشید نشان دهنده برتری سلطان و قرار داشتن آن در راس هرم طبقاتی جامعه و یکی از شاخص‌های نظام پاتریمونیال به شمار می‌آید. نظامی که در

آن رابطه میان سلطان و جامعه همراه با آمریت و پادشاهان قاجار به کار برد. نماد تاج و سیله ای برای نشان دادن اقتدار سلطنت بهره می بردند. یحیی ذکاء معتقد است که در عصر قاجار دو پرچم در ایران وجود داشته است. در اولین پرچم که مربع شکل بود نوار بالایی سبز و پایینی قرمز و زمینه پرچم سبز بود و در مرکز آن نماد شیروخورشید قرار داشت. در پرچم دیگر سه رنگ مذکور با پهنای نوار مساوی ترسیم شده بود. وی در تفسیر سه رنگ پرچم، رنگ سبز را نشان اسلام، رنگ سفید را نشانی از صلح و سرخ را نماد رشادت و دلآوری بیان کرده است (ذکاء ۱۳۴۴: ۱۵-۲۰). به تعبیری دیگر، رنگ سبز از یک سو بالایی‌ترین رنگ در پرچم ایران است و از سوی دیگر از رنگ‌های مقدس مذهبی و نشان خاندان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است؛ لذا مرتبه بالاتری نیز دارد. پرچم اسلام نیز سبز است و این رنگ برای مسلمانان نشانه‌ی سلام و سلامت و نماد تمام ثروت‌ها اعم از مادی و معنوی است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۲، ج ۳: ۵۲۰). این رنگ در نشان‌های اهل قلم و شمشیر با مرتبه بالاتر از آن استفاده می‌شود. رنگ سفید رنگ نور و درخشش است (همان، ۳۵۰). تعداد ستاره‌ها و شقه‌ها نیز حاوی معانی است. شقه‌های دوازده‌گانه نشان‌های نظامی نماد دوازده امام معصوم (ع) است که در کلاه قزلباشان نیز به کار رفته بود.

۵. نتیجه‌گیری

نقوش موجود در نشان‌ها مشتمل بر نمادهای ملی، مذهبی و اسطوره‌ای و گاهی تلفیقی از این نمادهای سه‌گانه است. این نقوش که دارای خاستگاه ملی، اسطوره‌ای، توتمی است؛ ضمن به نمایش گذاردن اقتدار و شوکت سلطنت و اقتدار سلطان نمادی از هویت ملی نیز محسوب می‌گردد.

از بررسی شواهد و مباحث مطرح در این نوشتار می‌توان دریافت که نشان‌های دولتی عصر قاجار کارکردهای مختلفی به شرح ذیل داشته:

- بازشناسی و تشخیص مناصب، مقامات و اعضای مملکت؛
- تمایز صاحب منصبان لشکری و کشوری؛
- نمایش اقتدار و شوکت سلطنت بر رعایای دولت علیه؛
- تشخیص نیروهای خادم از سایر آحاد جامعه؛
- جلوگیری از اغتشاش در کمیت و کیفیت نشان‌ها؛
- ایجاد روند قاعده مند در اعطای نشان‌ها؛

۶. پیوست



برخی از نشان‌های موجود در نسخه خطی دولت علیه ایران

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲) / امیرکبیر و ایران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۴) / از نشانه‌شناسی تصویری تا متن، تهران: مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۸۵) / روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، مقدمه و فهرس ایرج افشار، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- اکو، امیرتو (۱۳۷۸) / نشانه‌شناسی، پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- انوری، حسن (۱۳۸۱) / فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- اتینگهاوزن، ریچارد (۲۰۳۷) / قالیچه‌های شیری فارس، ترجمه پرویز تناولی و سیروس پرهام، تهران: سازمان جشن هنر.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸) / ایران و ایرانیان، تهران: خوارزمی.

- پورقیومی، الهام (۱۳۹۰) *تحلیل نشانه‌شناسی روزنامه کاوه و مجله ایرانشهر*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- دورانت، ویل (۱۳۸۵) *تاریخ تمدن (مشرق زمین گاهواره تمدن)* جلد اول، ترجمه احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریان پور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شهبازی، شاپور (۲۰۰۱) *دانشنامه ایرانیکا*، مدخل پرچم‌ها.
- دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰) *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه: مظفر قهرمان، آبادان: پرسش.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۴) *تاریخچه‌ی تغییرات و تحولات درفش و علامت دولت ایران از آغاز سده سیزدهم هجری قمری تا امروز*، هنر و مردم، شماره ۳۱، اردیبهشت، صفحات ۱۳-۲۴.
- *روزنامه ایران* (۱۲۸۸) شماره ۲۵ یکشنبه، ۱۱ محرم؛ ۲۸ شماره ۲۵، ربیع الثانی.
- *روزنامه وقایع اتفاقیه* (۱۲۶۷) شماره اول، جمعه ۲۶ ربیع الثانی، شماره ۴؛ شماره ۱۴، جمعه ۷ رجب.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷) *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: علم.
- سوسور، فردیناند (۱۳۷۸) *درس‌های زبان‌شناسی همگانی*، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: فرزانه روز.
- شوالیه، ژان و گربران، آلن (۱۳۸۲) *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضایی، تهران: جیحون.
- شیخ نوری، محمد امیر؛ علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۸) *بحران مشروعیت دولت ناصری و تاثیر آن در گرایش ناصرالدین شاه به اصلاحات تجددگرایانه، تاریخ اسلام و ایران*، بهار، شماره یکب، صفحات ۴۹ تا ۷۶.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۶۳) *روزنامه شرف و شرافت*، با مقدمه و فهرس جواد صفی نژاد، تهران: انتشارات یساقلی فرهنگ‌سرا.
- طاهری، صدرالدین (۱۳۹۱) *کهن الگوی شیر در ایران، میانرودان و مصر باستان*، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۹، بهار، صفحات ۸۳-۹۴.
- عبدالحسینی، امیر (۱۳۸۴) *نشانه‌شناسی تصویری و ادراک بصری*، *مجله هنرهای تجسمی*، شماره ۲۳، شهریور، صفحات ۶۲-۶۵.
- علی پور، ماندانا (۱۳۸۷) *نشانه‌شناسی سکه‌های ایران باستان*، *فصلنامه هنرهای تجسمی*، سال اول، شماره اول، تابستان، صفحات ۱۹-۳۶.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۱) *حکومت ناصری و گفتمان‌های نو*، تهران: هیرمند.
- قلی زاده، خسرو (۱۳۸۷) *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه ی متون پهلوی*، تهران: نشر کتاب پارسه.
- فیاضی، عمادالدین (۱۳۸۸) «بررسی اسنادی از نشان‌های طلا و نقره شهر در دوره پهلوی»، *پیام بهارستان*، شماره ۶، زمستان، صفحات ۶۲۹-۶۵۰.
- کسروی، احمد (۱۳۵۶) *تاریخچه شیر و خورشید*، بی جا، چاپ رشدیه.

- لچت، جان (۱۳۷۸) *پنجاه متفکر بزرگ معاصر از ساختارگرایی تا پسامدرنیته*، ترجمه محسن حکیمی، چ دوم، تهران: خجسته.
- مجدالاسلام، کرمانی (۱۳۵۱) *تاریخ انحطاط مجلس: فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- محمودی، فتانه (۱۳۸۶) از متن تا تصویر: زیباشناسی نشانه‌های تصویری با رویکردی بر گرنیکا، *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۳۲، زمستان، صفحات ۹۳-۱۰۰.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۶۹) *خلاصه الادیان در تاریخ دین‌های بزرگ*، تهران: انتشارات شرق.
- مشیری، محمد (۱۳۵۰) نشان‌ها و مدال‌های ایران از آغاز سلطنت قاجاریه تا امروز، *بررسی‌های تاریخی*، بهمن و اسفند، شماره ۳۷، صفحات ۱۸۵ تا ۲۲۰.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۵۷) *فرهنگ اصطلاحات نجومی*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- نسخه خطی نشان‌های دولت علییه ایران (بی تا)* سند شماره ۵/۱۲۶۱۴ کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد.
- نسخه خطی گزارش‌های دولت روس (۱۳۰۷)*، سند شماره ۵/۱۲۶۱۴، کتابخانه ملی ایران و مرکز اسناد.

Clauss, Manfred (2000) *The Roman Cult of Mithras: The God and his Mysteries*, N Y: Routledge.

Najmabadi, Afsaneh (2005) *In Gender and sexual anxieties of Iranian Modernity*. University of California Press.

Battle Between Persians and Russians (۲۰۰۹) State Hermitage Museum. Retrieved -09-19.